

اسامه حجاج، کاریکاتوریست اردنی و کسی که در مقاومت ۱۲ روزه ۵ اثر برای ایران تولید کرد، از این روزهای منطقه می‌گوید

بی‌طرف‌ها جنایتکارند



محمدحسین سلطانی
خبرنگار گروه فرهنگ

«آنچه به کشیدم واداشت، این احساس بود که ما در لحظه‌ای سرنوشت‌ساز ایستاده‌ایم. رژیم صهیونیستی دیگر فقط با یک ارتش یا فقط با دولت ایران روبه‌رو نیست، بلکه با یک محور کامل مواجه شده -از چندین جبهه- و این، تغییری بزرگ در معادلات قدرت و حتی در نمادپردازی سیاسی است.»

این جملات اسامه حجاج است؛ مرد ۵۲ساله اردنی و یکی از مهم‌ترین کاریکاتوریست‌های شرق جهان. او به خاطر کاریکاتورهایش زندان رفته و از طرف داعش هم تهدید به مرگ شده. برادر بزرگ‌تر اسامه، عماد حجاج نیز کاریکاتوریستی شناخته‌شده است و نام او هم در لیست ترور داعش دیده می‌شود. حجاج‌ها آدم‌های معمولی‌ای نیستند؛ آدم‌هایی که هنرنمادان بابت حرف حق را خوب بلدند. پسر کوچک‌تر خانواده حجاج از آغاز تهاجم اسرائیل به ایران، ۵ کاریکاتور می‌کشید و طرف ایران می‌ایستد. نتیجه منطقی آن خانواده و آن تهدیدها همین است: اینکه ترس و طرف حق بایستی.

بعضی‌ها می‌گویند پدری آر محافظه‌کار می‌کند و دیگر زبان‌ش به بعضی از حرف‌ها باز نمی‌شود. آدم می‌ترسد که خدای‌نکرده آنچه ساخته را یک حرف به یاد بدهد؛ اما وقتی هر روز روی نقطه درگیری می‌ایستی و دستت را روی زخم‌ها می‌گذاری، دیگر از زدن حرف حق نمی‌ترسی. در نگاه اول به کارهای این کاریکاتوریست اردنی، احساس می‌کنی قرار است با یک هنرمندسی و چندساله طرف شسوی؛ کسی که لحظه‌به‌لحظه به تمام اتفاقات پیرامونش واکنش نشان می‌دهد و انگار مثل ایرانی‌ها سرش از اخبار بیرون نمی‌آید. آثار اسامه به‌شدت از نظر بصری تغییر می‌کنند و برخلاف دیگر کارتونیست‌های عرب، از نظر رنگ به تیرگی نمی‌زنند. هیچ‌کدام از هزاران کاری که اسامه کشیده شبیه به هم یا گرتبه‌رداری از هم نیست. او در تمام این سال‌ها به تکرار نیفتاده و این، برای کسی که سال‌ها با روزنامه‌های مطرح فرانسوی و عربی کار کرده، عجیب است. وقتی به اسامه حجاج، کاریکاتوریست اردنی پیام می‌دهیم تا با «فرهیختگان» گفت‌وگو کند، چند ساعتی بیشتر نمی‌گذرد و خیلی کوتاه جواب می‌دهد: «بله، حتماً.» پیام‌دانش هم مثل کاریکاتور کشیدنش است؛ سریع، کوتاه و بدون توقف. هنوز ۴۸ ساعت از جنگ ایران نمی‌گذرد که اولین کاریکاتور را درباره جنگ ایران و اسرائیل می‌کشد. تصویری از تانیاها و ترامپ که یکی دیگری را کسول کرده و دارند با یک تکه تکه به کندوی ایران ضربه می‌زنند و درنهایت مجبور به فرار می‌شوند.

اسامه حاضر به گفت‌وگو می‌شود و شروع می‌کنیم.

تواهل کجایی اسامه؟

سؤال اول این‌طور شروع می‌شود: «بسیاری از مردم ایران شمارا با کاریکاتورهای سیاسی‌تان می‌شناسند، اما اطلاعات کمی درباره خود اسامه حجاج دارند. داستان شما از کجا شروع شد؟»

اسامه از آن طرف دنیا جواب می‌دهد: «خب من اسامه حجاج هستم، کاریکاتوریست اهل اردن. بچه که بودم نقاشی می‌کشیدم و کار از آنجا شروع شد. از جایی به بعد مجذوب یک ایده شدم؛ اینکه با تصویر چیزی را بگویم که در قالب کلمات گفته نمی‌شود. با نگاه کردن به جهان اطرافم بزرگ شدم، به‌ویژه آنچه در منطقه ما از درگیری‌ها و بی‌عدالتی‌ها رخ می‌دهد، و احساس کردم که مسئولیتی دارم -یا شاید بهتر است بگویم نیازی درونی- که از طریق نقاشی‌هایم به‌واقعیت واکنش نشان دهم. اول در مطبوعات کار می‌کردم و می‌نوشتم، اما بعد کارم به کاریکاتور سیاسی کشید. به همان ایده‌ای که دوستش داشتم رسیدم؛ می‌دانید... کاریکاتور گاهی قوی‌تر از هزار مقاله است.»



می‌پرسم حالا به نظرتان چرا ایرانی‌ها این‌قدر آثارتان را دوست داشتند؟ او جواب می‌دهد: «می‌دانید، آشام صرفاً برای خنداندن نبودند، بلکه در پی حقیقت می‌گشتند، حتی اگر آن حقیقت دردناک باشد. شاید همین است که باعث شده بسیاری از مردم، از جمله مخاطبان ایرانی، مرادنبال کنند و حس نزدیکی به من داشته باشند، حتی اگر مرا از نزدیک نشناسند.»

گفت‌وگوی مان با حجاج به انتخابش، یعنی کاریکاتور می‌رسد و می‌گویم: «انتخاب کردن کاریکاتور اتفاق متفاوتی برای یک هنرمند است. هنری که نه روزنامه‌نگاری است و نه نقاشی، بلکه چیزی بین‌شان است. چه شد که رفتید سمت کاریکاتور؟»

کاریکاتوریست ۵۲ساله پاسخ می‌دهد: «برای من، کاریکاتور صرفاً یک هنر نیست، بلکه یک سلاح است؛ سلاحی بصری و موقعیتی برای موضع‌گیری. کاریکاتور را انتخاب کردم چون مؤثرترین وسیله‌ای است که می‌تواند پیام را بی‌واسطه و بی‌تکلف منتقل کند؛ با یک خط ساده می‌شود داستانی گفت، چشمی را باز کرد یا با قدرتی درافتاد.»

حجاج در ادامه حرف‌هایش گریزی می‌زند به توازنی که کاریکاتور در یک اثر ایجاد می‌کند: «کاریکاتور را هوشمندی متمایز می‌کند؛ هنری است که ایده را فشرده و خلاصه می‌کند و به همه می‌رساند -چه باسواد، چه بی‌سواد، چه ثروتمند، چه فقیر. هنری که باید سریع به نتیجه برسد، اما ژرف، طنزآمیز و البته دردناک است. به‌نظر من، این توازن نادری است که کمتر بستر رسانه‌ای توان رسیدن به آن را دارد.»

نسبت میان کاریکاتور و مسائل مقاومت

وجودی است

شاید بیشترین هنری که پس از طوفان الاقصی موجش راه افتاد، همین کاریکاتور بود. حجاج از رابطه میان کاریکاتور و مقاومت می‌گوید: «نسبت کاریکاتور با مسائل مقاومت و واقعیت سیاسی، رابطه‌ای وجودی است. در منطقه ما، کاریکاتور یک هنر فتنی نیست؛ بلکه فردا آدمیزاد تحت فشار است، فضایی برای آزادشدن وقتی که آزادی وجود ندارد. بسیاری از آثار من، شکلی از مقاومت بوده‌اند؛ مقاومت در برابر ظلم، فساد، اشغال، عادی‌سازی روابط، پیمان ابراهیم، و حتی در برابر ترس. به همین دلیل معتقدم که کاریکاتور فقط بیان نمی‌کند، بلکه مبارزه می‌کند.»

کاریکاتوریست‌های دیگری هم در حوزه مقاومت، پس از طوفان الاقصی تولیداتشان شدت گرفت؛ مثل کمال‌شرف اردنی یا حتی کارلوس لاثوف برزیلی یا سالتوس پرتغالی. اما مدل کارهای حجاج شبیه هیچ‌کدام نیست. او بسیار شبیه به کمیک کاریکاتور می‌کشد و داستان‌گویی در کارهایش برجسته‌تر است. از او درباره سبک کارش می‌پرسم و پاسخ می‌دهد: «من سبک کارم را با برنامه‌ریزی انتخاب نکردم؛ بلکه بیشتر بابتایی است از طبیعت درونی‌ام، شیوه تفکر و احساسی که نسبت به مسائل اطرافم دارم. طنز ابزار است؛ بخشی از ابزار بیان من به‌عنوان کاریکاتوریست، اما هدف اصلی نیست. گاهی چیزی می‌کشم که شاید خنده‌دار باشد، اما پشتش، دردی هست و تلخی. به‌نظرم همین تناقض است که باعث می‌شود مردم با اثر ارتباط برقرار کنند، چون شبیه احساسات متضاد خودشان است. کاریکاتور، نقاشی انتزاعی نیست که تو از تخلیل استفاده کنی و تصویری را همین‌طوری ترسیم کنی. شفافیت و وضوح مهم است؛ پیامی فوری که باید بدون نیاز به توجیه، مستقیماً به مخاطب برسد. گاهی کاریکاتور می‌تواند چیزی را منتقل کند که کلمات از بیان‌ش ناتوان‌اند؛ چون تصویر مستقیماً ضربه می‌زند و ذهن ماندگار می‌شود. تصویر فقط ایده نیست، بلکه احساس است و تأثیر. بسیاری از اوقات، مردم تصویری را به خاطر می‌سپارند، حتی اگر تمام مقاله‌هایی را که خوانده‌اند، از یاد ببرند.»

فلسطین مسئله هویت ماست

خیلی از هنرمندان در اتفاقات اخیر، خیلی راحت خودشان را به بهانه جدایی هنر از سیاست کنار کشیدند و موضع‌گیری در باره غزه را فراموش کردند. از اسامه می‌پرسم آیا برای او هم هنر از سیاست جداست؟ اسامه پاسخ می‌دهد: «برای من، جدا کردن هنر از واقعیت ممکن نبود. من از منطقه‌ای آمدم که آکنده از درد، جنگ و بی‌عدالتی است و همیشه احساس می‌کردم نمی‌توانم چیزی بکشم که بی‌ربط به آنچه اطرافم می‌گذرد، باشد. فلسطین برای من فقط یک مسئله سیاسی نیست؛ زخمی باز است، هویتی در خطر، و معیار سنجش عدالت در جهان. به همین دلیل، همیشه در آثارم حضور داشته؛ نه فقط به‌عنوان یک نماد، بلکه به‌عنوان واقعیتی ملموس و موضوعی انسانی. من کاریکاتور سیاسی نمی‌کشم برای اینکه جنجالی درست کنم یا به شهرت برسم. می‌کشم چون صدایی هست که باید شنیده شود، و تصویری که باید کشیده و دیده شود؛ چون هنر، در بسیاری مواقع، آخرین فضای آزاد باقی‌مانده در میان این همه سرکوب و سانسور رسانه‌های اطراف ماست.»

ما فقط برای همبستگی نمی‌کشیم

ما فریاد می‌زنیم

از حجاج می‌پرسم: «خب حالا مسئولیت هنرمند در این بین چیست؟ یعنی شما چه مسئولیتی برای خودتان تعریف کردید؟» او می‌گوید: «کشیدن کاریکاتور در باره فلسطین امروز دیگر یک انتخاب نیست؛ یک وظیفه است، و حداقل کاری است که می‌توانم انجام دهم به‌عنوان کسی که قلم و صدایی در اختیار دارد. تصویر به سلاحی تبدیل شده در برابر تحریف رسانه‌ای و سکوت جهانی در برابر جنایت‌هایی که هر روز در جریان است. ما فقط برای همبستگی نقاشی نمی‌کشیم؛ ما با هنر خود ثبت می‌کنیم، افشا می‌کنیم و فریاد می‌زنیم. کاریکاتور می‌تواند سریع‌تر از هر گزارش خبری به مردم برسد، چون مستقیماً به جوهره فاجعه اشاره می‌کند و آن را در یک لحظه شوک‌آور، دردناک یا حتی طنزآمیز، اما عمیق، خلاصه می‌کند.»

حجاج می‌گوید بی‌طرفی در این زمان، خود جنایت است: «مسئولیت هنرمند امروز این است که سسکوت نکند و بی‌طرف نباشد؛ چون بی‌طرفی در زمان جنایت، خود نوعی مشارکت در جنایت است. هنرمند فقط تصویرگر نیست، او شاهد، شهید و کنشگر است. اگر بتواند با یک تصویر، وجدان تنها یک انسان را بیدار کند، کاری کرده که از هزار سخنرانی سیاسی مؤثرتر بوده است.»

حرف را تا داغ است باید گفت

صحبتمان با حجاج به روز حمله به ایران می‌رسد و او آن ساعت‌هایی که خبر به گوشش رسید می‌گوید: «من خبر آغاز درگیری را مثل هر کسی که با نبض منطقه زندگی می‌کند دریافت کردم: ترکیبی بود از شوک و انتظار. اما به‌عنوان یک کاریکاتوریست، اولین چیزی که به ذهنم رسید این بود که چطور می‌توانم این لحظه را ترسیم کنم؛ چگونه می‌توانم صحنه را در یک تصویر خلاصه کنم. رسم این کاریکاتور واکنشی سریع بود؛ البته نه از سر شتاب‌زدگی، بلکه چون بعضی لحظه‌ها اگر بگذرند، دیگر تأثیر خود را از دست می‌دهند. همیشه سعی می‌کنم واقعه را «داغ» ترسیم کنم، چون تصویر وقتی تازه است، اثرگذاری بیشتری دارد. آنچه مرا به کشیدن واداشت، این احساس بود که ما در لحظه‌ای سرنوشت‌ساز ایستاده‌ایم. رژیم صهیونیستی دیگر فقط با یک ارتش یا فقط با دولت ایران روبه‌رو نیست، بلکه با یک محور کامل مواجه شده -از چندین جبهه- و این، تغییری بزرگ در معادلات قدرت و حتی در نمادپردازی سیاسی است. ایده پشت آن کاریکاتورها این بود که هرچقدر هم اشغالگر تلاش کند خود را قدرتمند نشان دهد، جهان اکنون در حال دیدن شکنندگی‌اش است. من سعی کردم این تناقض میان ادعا و واقعیت لرزان او را از طریق طنز به تصویر بکشم؛ طنزی که بی‌آنکه زیاد حرف بزند، همه چیز را افشا می‌کند.»

الان باید از آدم‌های عادی کشید

از حجاج می‌پرسم: «اگر بخواهید دوباره درباره ایران یا مقاومت آن در برابر اشغالگری کاریکاتور بکشید، چه موضوع یا شخصیتی را انتخاب می‌کنید؟» کاریکاتوریست ۵۲ ساله اردنی می‌گوید: «اگر بخواهم دوباره درباره ایران یا مقاومتش نقاشی بکشم، همیشه شخصیت‌هایی را انتخاب می‌کنم که نماد ایستادگی و پافشاری هستند؛ نه لزوماً فرماندهان بزرگ، بلکه آدم‌های عادی‌ای که جان‌شان را برای آزادی و کرامت فدا می‌کنند. در این جنگ، جوانان زیادی توجه مرا جلب کردند؛ کسانی با شجاعتی خارق‌العاده و زیرکی در نبرد، به‌ویژه آن‌هایی که از کاتیک‌های نامتعارف استفاده می‌کنند و روح واقعی مقاومت را نمایندگی می‌کنند. همچنین نمی‌توانم نقش زنان را نادیده بگیرم که با شجاعت ایستادند و چه در میدان و چه در زندگی روزمره، از مقاومت پشتیبانی کردند. اگر بخواهم اثری خلق کنم، تلاش می‌کنم بیشتر بر بُعد انسانی تمرکز کنم تا سیاسی؛ چون هنر می‌تواند احساسی را منتقل کند که سیاست و خبرها هرگز قادر به رساندن آن نیستند.»

کاریکاتور پلی است برای ارتباط آدم‌ها

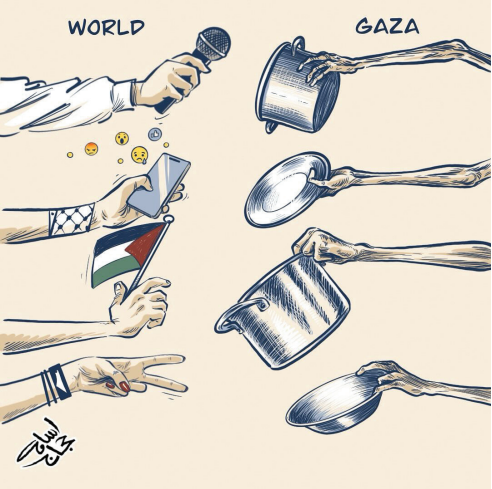
صحبتمان با حجاج به‌دیگر کاریکاتوریست‌های مقاومت می‌رسد. در واقعیت، جهان کاریکاتوریست‌ها از نظر تعداد آدم‌ها خیلی بزرگ نیست و افراد خیلی‌زد و همدیگر را می‌شناسند، برخلاف نقاشی یا بقیه هنرها. کسانی که بتوانند با قدرت و سرعت تولید اثر کنند و کارشان متفاوت باشد، زیاد نیستند. صحبتمان به کمال‌شرف، کاریکاتوریست یمنی می‌کشد: «بی‌تردید آثار بسیاری از هنرمندان حوزه کاریکاتور مقاومت را دنبال می‌کنم، چه از یمن، چه ایران و چه دیگر کشورها. کمال‌شرف هنرمندی برجسته است که توانایی فوق‌العاده‌ای در بازتاب واقعیت یمن با صداقت و قدرت دارد، به‌ویژه در شرایط دشواری که کشورش با آن روبه‌روست. کاریکاتوریست‌های ایرانی نیز آثاری بسیار مهم خلق می‌کنند که پیچیدگی‌های وضعیت سیاسی و اجتماعی ایران را به‌شوی‌ای عمیق بازتاب می‌دهند. بسیاری از آن‌ها از طنز به‌صورتی هوشمندانه و قوی استفاده می‌کنند تا هم به مسائل داخلی و هم خارجی بپردازند و پیام‌هایی را منتقل کنند. این حوزه (از نظر معنایی) دنیایی بزرگ و متنوع است و من به هر هنرمندی که تلاش می‌کند صدای حقیقت را بلند کند -فارغ از زبان و جغرافیا- احترام می‌گذارم. باور دارم که هنر مقاومت فقط یک کاریکاتور یا یک تابلوی نقاشی نیست، بلکه پلی برای ارتباط، تأثیرگذاری و انتقال تجربه انسانی است.»

واقعیت این است که رابطه ایران و اردن در این سال‌ها چندان خوب نبوده. مردم اردن هم چندان شناختی از ایران ندارند و همین باعث می‌شود خیلی عجیب نباشد اگر یک اردنی درباره تهاجم اسرائیل به ایران واکنشی نشان ندهد؛ اما واکنش اردنی‌ها در این سال‌ها بسیار عجیب بود. مردم اردن برخلاف دولتش طرف ایران را گرفتند و این حتی در کامنت‌های زیر کاریکاتوره‌ای اسامه مشخص است. از اسامه درباره ایران می‌پرسم و اینکه آیا پس از جنگ موضعش تغییر کرده: «پیش از جنگ اخیر، ایران را کشوری با تاریخی عمیق، فرهنگی غنی و مردمی نیرومند می‌دیدم، اما در عین حال کشوری درگیر تنش‌های مختلف، با نقشی پیچیده و گاه متناقض در منطقه. پس از این درگیری، بیشتر به این باور رسیدم که ایران فقط قدرت و نفوذ نیست، بلکه کشوری است با طیف گسترده‌ای از مردمی که برای حقوق و کرامت‌شان می‌جنگند. رابطه میان ملت اردن و ملت ایران، از نظر تاریخی، بر پایه احترام متقابل بوده است، اما سیاست و رویدادهای منطقه‌ای این رابطه را تا حدی تحت‌تأثیر قرار داده‌اند. با این حال، احساس می‌کنم بسیاری از مردم اردن بار پنج‌های ملت ایران، به‌ویژه در شرایط دشوار اقتصادی فعلی، همدلی دارند. من باور دارم که ملت‌ها از سیاست‌نرومندان‌تر و ارتباطات فرهنگی و هنری همان چیزی است که می‌تواند بل‌های تفاهم را بسازد، حتی در دل اختلافات و تنش‌ها.»

امید آدم‌ها را در جنگ نگه می‌دارد، چه آن‌هایی که تفنگ به دست می‌گیرند و چه آن‌هایی که قلم‌هایشان در چشم دشمن رفته. از اسامه می‌پرسم بعد از جنگ می‌خواهد درباره چه چیزی بسازد و درباره چه چیزی بکشد؟ او پاسخ می‌دهد: «اگر اشغال از میان برود و فلسطین به‌طور کامل آزاد شود، جهانی تازه پدید می‌آید؛ جهانی پر از چالش‌ها و فرصت‌ها، و در چنین مرحله‌ای هنر نقش بسیار مهمی خواهد داشت. تمرکز آن‌گاه بر بازسازی انسان و جامعه فلسطینی خواهد بود؛ در تمام سطوح اجتماعی، فرهنگی و سیاسی. همچنین درباره عدالت اجتماعی و حقوق انسانی در معنای عام آن خواهم کشید و نیز در باره مبارزه با فساد و ظلمی که ممکن است حتی پس از آزادی نیز باقی بماند. در کنار این‌ها به ترسیم داستان‌های موفقیت، همبستگی و همزیستی میان ملت‌های منطقه نیز خواهم پرداخت؛ چراکه صلح واقعی از درک و احترام متقابل آغاز می‌شود.»

از شهادت نمی‌ترسم

وقتی توبه سراغ رادیکال‌ترین شکل هنر می‌روی و خودت را سانسور نمی‌کنی، باید هزینه‌اش را هم بدهی. خیلی‌ها مثل ناجی علی شهید شدند و دستمزدشان این بود. از اسامه می‌پرسم آیا از شهادت نمی‌ترسد؟ پاسخ می‌دهد: «می‌دانم که این مسیر آسان نیست، و هنر مقاومت می‌تواند هنر مند را با خطر‌ها و تهدیدهایی روبه‌رو کند؛ اما این بخشی از مسئولیتی است که خود آگاهانه برمی‌گزینم. ترس نمی‌تواند مانعی باشد در برابر احساسی که به وظیفه و تعهد نسبت به مسائل ملت‌هایمان دارم، به‌ویژه وقتی که هنر به صدای فرودستان و مظلومان بدل می‌شود. من بیش از آن که بر شخص تمرکز کنم، بر پیام تمرکز دارم و باور دارم که حقیقت، وقتی به تصویر کشیده یا بیان می‌شود، از هیچ تهدیدی نمی‌هراسد.



در نهایت، شهادت فقط به معنای مرگ نیست؛ می‌تواند در شجاعت ایستادن در برابر ظلم و پابندی به اصول، علی‌رغم همه دشواری‌ها تجلی پیدا کند. «به آخرهای مصاحبه می‌رسیم و حرف از آینده می‌شود، اینکه روای این مرد ۵۲ساله چیست؟ و اینکه از زندگی چه می‌خواهد؟ «روای من این است که هنر صدایی واقعی داشته باشد و بتواند واقعیت را تغییر دهد، یا حداقل چشم‌های مسرمد را به حقیقت و عدالت باز کند. من به زندگی ادامه می‌دهم و قلم را در دست دارم چون هنر هنر من برای مقاومت و بیان صدای کسانی است که صدایی ندارند. با وجود ویرانی و ظلم، وقتی می‌بینم مردم با آثارم ارتباط برقرار می‌کنند و احساس می‌کنند که دردها و امیدهایشان را بازتاب می‌دهد، احساس امید می‌کنم. هنر است که انسانیت را حفظ می‌کند و این توان را می‌دهد که پیامی بفرستم و بگویم ما به ظلم رضایت نمی‌دهیم و خواستار آزادی و کرامت برای همه ملت‌ها هستیم.»

به برادران و خواهرانم بگویید کنارتان هستیم

تریسون را به او می‌دهم و می‌گویم، حالا هر چقدر دوست دارید با مردم ایران حرف بزنید، ماصدای شما را می‌رسانیم: «به برادران و خواهرانم در ایران می‌گویم که شما در دل‌های ما جای دارید و رنج شما، رنج ماست. ما ایستادگی و شجاعت شما را با تحسین دنبال می‌کنیم، با وجود همه سختی‌ها و محدودیت‌ها. ما در مبارزه شما برای آزادی و کرامت همراه شما هستیم و باور داریم صدای شما و داستان‌تان اهمیت دارد و شایسته است که همه جهان آن را بشنوند. با وجود تمام اختلافات سیاسی، ما معتقدیم ملت‌ها قوی‌تر از حکومت‌ها هستند و همبستگی میان ما راه ساختن آینده‌ای بهتر است که در آن صلح و عدالت حکم‌فرما باشد. پس استوار بمانید و به حق خود در زندگی با کرامت ایمان داشته باشید.»

صحبت‌های این مرد اردنی تمام می‌شود. کسی که از زمانی که با او مصاحبه را گرفتیم تا امروز دو کاریکاتور دیگر هم منتشر کرده. مردی که دستانش متوقف نمی‌شود و گویا نمی‌خواهد سکوت کند. مردی که بیش از ۱۰۰ اثر را در این دو سال کشیده و از پرکارترین هنرمندان مقاومت است؛ هنری که هر روز به تعداد اهالی‌اش از جای‌جای این جهان اضافه می‌شود. به قول حجاج، این هم از ویژگی‌های غزه است که آدم‌های صادق را مجبور به واکنش می‌کند.